

بیانیه پیرامون سخنان دادستان کل

"دادستان کل و بیدادگریها"

"قولوا الحق ولو علی انفسکم"

رسول اکرم(ص)^۱

هموطنان عزیز:

نهضت آزادی ایران در تاریخ ۶۵/۶/۵ پیامی برای رهبر انقلاب اسلامی ایران فرستاد که مورد استقبال قشرهای وسیعی از مردم قرار گرفت و بسیاری از هموطنان دردمند و علاقمند به سرنوشت ایران و اسلام آن را خوانده و از مفادش آگاه شده‌اند.

در کشور انقلاب کرده و ملت رشد یافته‌ای که با آرمانهای والای انقلابش پرچم جمهوریت اسلامی را به ایوان دولتش زده است، نوشتن یک نامه و نظریه برای مقام معظم رهبری یا گردانندگان کشور و در میان گذاشتن آن با ملت ساده‌ترین عمل و بدیهی‌ترین حق برای یک فرد یا جمعیت می‌باشد و به لحاظ ملی و دینی وظیفه محسوب می‌شود و ای کاش سایر مردم نیز در سطح وسیعی به این فرضیه الهی عمل می‌کردند. قریب یک ماه بعد از انتشار پیام پاره‌ای از مسئولین و غیر مسئولین به جای تأسی به روش رهبر انقلاب که با متانت با پیام نهضت برخورد کرده‌اند و انشاءالله کلمه حقی که در آن باشد پذیرفته و پیشنهادهای ارائه شده را مورد عمل قرار داده و خواهند داد، در اثر ناراحتی و یا وسوسه‌های نفسانی یا سوء استفاده از موقعیت خود و امکاناتی که در اختیار و انحصار دارند به عکس‌العمل و ابراز وجود پرداخته‌اند و ای کاش این کار را به صورت مردانه معقول و مشروع انجام می‌دادند.

اگر پیام را بی‌جا و مردود یا مضر به حال انقلاب و نظام تشخیص داده‌اند حق بود اولاً با شهادت عیناً متن آن را مطرح می‌ساختند و نکات و نظریاتی را که باطل یا خلاف می‌دیدند مشخص نموده بدون تحریف و تبدیل یا کم و زیاد کردن هر قسمت را با مقدمات و دلائل ذکر شده عیناً نقل می‌کردند تا ابهام و اتهامی بیش نیاید. ثانیاً تقوی و عفت کلام به خرج داده با دلیل و برهان به اتکای قانون و قرآن به تحلیل قضایا و رد کردن اظهارات ما می‌پرداختند. نه آنکه از یک امر حیاتی و اساسی جامعه جنجال و جوسازی راه انداخته با توسل به کنایه و طعنه یا دروغ و تحریف و تهمت به توهین و تهدید بپردازند و بعضی از مردم ناآگاه خوشدل یا گروههای افراطی جاهل را تحریک نمایند.

نهضت آزادی ایران هیچگاه مایل نبوده و نیست که جنجال‌آفرینی کند. ولی از آنجا که دفاع نفس از بدیهی‌ترین و حیاتی‌ترین حقوق هر انسان بلکه هر موجود زنده است که اگر نکند نه تنها خود بلکه به دیگران خیانت ورزیده و ظالم را تشویق و جری‌تر می‌نماید، اجباراً به این جملات پاسخ می‌گوید تا مردم در

1. حق را بگویند اگرچه به زیان خودتان باشد.

اثر تحریف‌ها و قلب ماهیتها به اشتباه و گمراهی نیفتند.

هموطنان شرافتمند احتمالاً پاسخی را که نهضت در تاریخ ۲۰ مهرماه ۶۵ به حملات آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه جمعه یازدهم مهرماه داده است، ملاحظه فرموده‌اند و اگر ندیده باشند می‌توانند مطالبه و مطالعه نمایند. هنوز ظنین امواج افتراات و اظهارات امام جمعه موقت تهران فرو ننشسته و هنوز مرکب پاسخ نهضت خشک نشده بود که دادستان کل کشور به مناسبت اربعین حسینی در مجلس سوگواری مورخ چهارم آبان نیروی پلیس قضائی بیانات مفصلی علیه پیام و ناشرین ان ابراز فرمودند که قسمتهایی از آن در روزنامه‌ها^۱ درج و همه آن عیناً از صدای جمهوری اسلامی پخش گردید.

دادستان کل در این بیانات با عناوین موهن و عبارات مبهم علیه کسانی صحبت می‌کنند که "ورشکستگان سیاسی، همصدا با صدام و امریکا و ظاهرالصلاح هستند" و "هدفشان برگرداندن افکار اسلامی و انقلابی به شرایط گذشته و چه بسی بدتر از آن" می‌باشد.

از قول آنها می‌گویند:

"امام حسین وقتی از مدینه راه افتاد در پی جنگ و جهاد نبود و حاضر به سازش با یزید بود... آیا شیعه امام حسین می‌تواند جرأت کند که بگوید امام حسین می‌خواست بیعت کند اما دشمن حاضر نشد؟

...آیا این حرفها را نمی‌زنید که تاریخ عاشورا را تحریف کنید یا حماسه کربلا را مسخ کنید یا می‌خواهید ملت ما را از جبهه برگردانید و صدام را نجات دهید؟... شما با مردم چکار دارید؟ با امام حسین چکار دارید؟"

وقتی دادستان کل که باید حافظ قانون و حقوق عمومی باشد صریحاً قانون را زیر پا می‌گذارد و حتی "قانونگرایی" را تخطئه می‌کند از تحریف مطالب پیام نهضت به رهبر انقلاب و تهمت و افترا چه پروائی دارد؟ راستی اگر از خدا و آخرت هم ترسی نداشته باشیم باز هم انصاف و آزادگی چیز خوبی است. آخر در کجای پیام نهضت گفته شده است امام حسین (ع) از مدینه حرکت کرد که با یزید سازش کند یا امام حسین می‌خواست بیعت کند اما دشمن (یزید) حاضر نشد؟

مگر در پیام نهضت نگفته‌ایم:

"امام ما حسین بن علی تنها عملی که به ابتکار شخصی در ماجرای ولایتعهدی یزید و در اعتراض به نقض عهد معاویه در صلح با امام حسن انجام داد امتناع از بیعت بود که یک حرکت ضد استبدادی محسوب می‌شود."

"پس از آنکه آخرین تلاشهای او برای جلوگیری از پیکار و آزار و خونریزی و خرابی به سنگ شقاوت و شخص پرستی خورد با اراده‌ای محکم به دفاع پرداخت و شجاعانه جنگید و حتی در عین جنگ دست از ارشاد برداشت سرانجام مظلومانه، جوانمردانه و خدایسندانه شهید گشت."

"اهداف، افکار و اعمال حسین ناشی از ایمان و ایثار و محبت و همراه با تجهیز و تدبیر و حکمت بود... اسلام را که می‌رفت منحرف و مدفون گردد اعلام و احیا نمود. مسلمانان را آگاه و بیدار کرد و پایه‌های استبداد را که باعث فساد و آزار و الحاد می‌شود متزلزل ساخت او امامی است که باید راهش را بیابیم و ببیمائیم و از عاشورا و کربلاش سرمشق بگیریم."

در مورد جنگ و صلح نظرات نهضت کاملاً روشن است. نهضت معتقد است که ادامه جنگ بعد از فتح

1. روزنامه‌های اطلاعات و رسالت مورخ ۶۵/۸/۵

خرمشهر به نفع ابرقدرتها و اسرائیل و به ضرر دو ملت ایران و عراق بوده و این عقیده را همراه با ادله و براهین نخست به اطلاع مسئولان جنگ و سپس به آگاهی مردم رسانده است. واقعیت‌های پس از فتح خرمشهر صحت این نظرات را نشان می‌دهد و آینده روشن‌تر از گذشته نشان خواهد داد. به زودی ملت ایران به ویژه رزمندگان عزیز به روشنی درخواهند یافت که فریاد نهضت برای نجات ملت و خنثی کردن توطئه بیگانگان و دشمنان آزادی و استقلال ایران و آبرو و قداست اسلام بوده که متأسفانه با تهمت و افترا و دروغ دادستان کل پاسخ داده شده است.

دادستان کل در ادامه اتهامات خود اضافه می‌کند:

"اخيراً فقيه هم شده‌اند راجع به حلال و حرام فتوی می‌دهند... تازگی مرجع تقلید شده‌اند و به ما می‌گویند از کلام خدا منحرف شده‌اید."

البته ما نه در باره حلال و حرام فتوی داده‌ایم و نه ادعای مرجعیت تقلید کرده‌ایم، تنها کاری که کرده‌ایم این است که در مسأله‌ای که آینده ایران و اسلام و جان و مال میلیون‌ها نفر از مسلمانان جهان در گرو آن است پرسش و اظهارنظر نموده‌ایم و کوشیده‌ایم از قرآنی که راهنمای همه مردم (هدی للناس) و سیره پیامبری که برای همه مردم (کافه للناس) و نه برای طبقه‌ای خاص فرستاده شده است در جهت پیدا کردن چاره استفاده کنیم. البته این چاره‌جویی به نظر ما جرم نیست ولی به نظر کسانی که اسلام و خدا و قرآن و دین را ملک موروثی شخصی یا صنفی و در انحصار لباس و درسهای حوزه‌ای بدانند بزرگترین جرم همین است که افراد دیگر به خود اجازه دهند پرسش و نظر در قلمروی قرآن و مذهب داشته باشند. در لابه‌لای این تحریفها و تهمتها جملات ناروا و ناجوانمردانه‌ای داشته‌اند که پاسخ آن بر مردم روشن است. ما برخی از آنان را در اینجا می‌آوریم تا درجه تقوی و تعهد و قدرت منطق دادستان کل نشان داده شود:

"اگر بعضی از آنها ظاهرالصلاح هستند افرادی هم بین آنها قرار دارند که حامی صدامند و این حرفها را به زبان و قلم آنها به راه انداخته‌اند... بعد از پیروزی انقلاب هرچه تلاش کردند که انقلاب را به بهانه ترس از شوری به دامن امریکا بیاندازند نتوانستند... لا اقل طوری حرف بزنید که حرفهای چرندتان را هم بتوانیم باور کنیم... ملت ایران فریب حرفهای آنان را نمی‌خورد چرا که اینها را شناخته و حنای آنان رنگی ندارد. معلوم است اهل دعوا و این حرفها نیستند... اینها اگر زمان حضرت علی(ع) هم بودند حتماً به روی علی شمشیر می‌کشیدند تا در مقابل معاویه صلح را بپذیرد."

* * *

هنگامی که دادستان کل که به اقتضای مقام و مسئولیت باید قانونگراترین فرد این مملکت و کناره‌گیرترین آنها از دخالت در سیاست و وظائف قوه مقننه و مجریه بوده و سرمشق عدالت و تقوی و انضباط باشند خود برخلاف تقوی و عدالت و قانون عمل نماید و با تحریف و تهمت، جوسازی و اشاعه اکاذیب تهدید کند چگونه می‌تواند مدافع حق و حقوق عمومی باشد؟

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر دادستان واقعاً برای این اتهامات ادله‌ای دارد چرا بر اساس وظائف قانونی خود متهمین را احضار و رسیدگی و در صورت اثبات جرم تسلیم عدالت نمی‌نماید و اگر دلائلی برای اظهارات خود ندارد با چه مجوزی در حضور پلیس قضایی اینچنین گستاخانه با تحریف پیام قرآنی قانونی نهضت به رهبر انقلاب، دست به تهمت و جوسازی و اشاعه اکاذیب و تهدید می‌زند و

رسانه‌ها نیز به پخش آن می‌پردازند؟

در پایان باید یادآور شویم که اگر شورای عالی قضائی و مقامات ذیربط اعلام جرم‌های قبلی ما را رسیدگی کرده و آقای خوئینی‌ها را محاکمه نموده به کیفر اعمال خود می‌رسانند ایشان هرگز به خود اجازه نمی‌دادند اینچنین برخلاف قرآن و قانون و اخلاق عمل نمایند و مردم را نسبت به مقام مقدس قضا بدبین سازند.

به راستی مولای متقیان علی(ع) چه زیبا، هشداردهنده و واقع بینانه به شریح قاضی فرموده است که ای شریح تو بر جایگاهی نشست‌ه ای که در آن جایگاه به غیر از نبی یا وصی و یا شقی نمی‌نشیند.

نهضت آزادی

۶۵/۸/۱۰